



ولادت حضرت امام رضا (ع) کرامی باد



بالاترین درجه عقل خودشناسی است .
امام رضا (ع)

زندگانی امام رضا (ع)

زادگاه

هشتمین پیشوای شیعیان امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در مدینه دیده به جهان گشود.

کنیه‌ها

ابوالحسن و ابوعلی

لقب‌ها

رضا، صابر، زکی، ولی، فاضل، وفی، صدیق، رضی، سراج الله، نورالهدی، قره عین المؤمنین، مکیده الملحدین، کفوالملک، کافی الخلق، رب السیر، و رثاب التدبیر

مشهورترین لقب

مشهورترین لقب آن حضرت «رضا» است و در سبب این لقب گفته‌اند: «او از آن روی رضا خوانده شد که در آسمان خوشایند و در زمین مورد خشنودی پیامبران خدا و امامان پس از او بود. همچنین گفته شده: از آن روی که همگان، خواه مخالفان و خواه همراهان به او خشنود بودند. سر انجام، گفته شده است: از آن روی او رضا خوانده‌اند که مأمون به او خشنود شد.»

مادر امام

در روایت‌های مختلفی که به ما رسیده است نامها و کنیه‌ها و لقبهای ام البنین، نجمه، سکن، تکتم، خیزران، طاهره و شقرا، را برای مادر آن حضرت آورده‌اند.

زادروز

درباره روز، ماه و سال ولادت و همچنین وفات آن حضرت اختلاف است.

ولادت آن حضرت را به سالهای (۱۴۸ و ۱۵۱ و ۱۵۳ق) و در روزهای جمعه نوزدهم رمضان، نیمه همین ماه، جمعه دهم رجب و یازدهم ذی القعدة.

روز شهادت

روز وفات آن حضرت را نیز به سالهای (۲۰۲ و ۲۰۳ و ۲۰۶ق) دانسته‌اند.

اما بیشتر بر آنند که ولادت آن حضرت در سال (۱۴۸ق) یعنی همان سال وفات امام صادق علیه السلام بوده است، چنان که مفید، کلینی، کفعمی، شهید، طبرسی، صدوق، ابن زهره، مسعودی، ابوالفداء، ابن اثیر، ابن حجر، ابن جوزی و کسانی دیگر این نظر را برگزیده‌اند.

درباره تاریخ وفات آن حضرت نیز عقیده اکثر عالمان همان سال (۲۰۳ق) است.

بنابر این روایت، عمر آن حضرت پنجاه و پنج سال می‌شود که بیست و پنج سال آن را در کنار پدر خویش سپری کرده و بیست سال دیگر امامت شیعیان را بر عهده داشته است. این بیست سال مصادف است با دوره پایانی خلافت هارون عباسی، پس از آن سه سال دوران خلافت امین، و سپس ادامه جنگ و جدایی میان خراسان و بغداد به مدت حدود دو سال، و سر انجام دوره‌ای از خلافت مأمون.

پس از شهادت

پس از شهادت، بدن مقدس امام را جلوتر از قبر هارون الرشید دفن کردند. قبر مطهر امام رضا علیه السلام از آن زمان تا امروز زیارتگاه مسلمین و شیعیان جهان است. برای زیارت امام از ائمه اطهار ثواب‌های فراوانی نقل شده است و از آن روضه منوره معجزات و کرامات بی‌شماری به وقوع پیوسته است. حضرت رضا علیه السلام یک فرزند بیشتر نداشت که حضرت جواد علیه السلام بود؛ ولی برادران زیادی داشت از جمله زید بن موسی که علیه مأمون قیام کرد.

از امام رضا علیه السلام کلمات و سخنان آموزنده‌ای به یادگار مانده و صدها حدیث روایت شده است. در عمر پر برکتش شاگردان زیادی تربیت فرمود که مناظرات آنان بهترین گواه بر عظمت مقام او است. از سوی دیگر پس از شهادت حضرت موسی بن جعفر، عده‌ای از پیروانش به امام رضا ایمان نیاوردند که به آنها واقفیه می‌گویند.

فرزندان

گرچه که نام پنج پسر و یک دختر برای او ذکر کرده‌اند، اما چنان که علامه مجلسی می‌گوید: حداکثر تنها از جواد به عنوان فرزند او نام برده‌اند.

به دسیسه مامون و با سم او به شهادت رسید و پیکر مطهر او را در طوس در قبله قبه هارونی سرای حمید بن قحطبه طایی به خاک سپردند و امروز مرقد او مزار آشنای شیفتگان است.

منبع: www.tebyan.net

نزد و ر، نموده‌ای امام رضا علیه السلام

ارزش موعظه‌ها و سخنان حکمت آمیز در این است که از منابع اصیل و سرچشمه‌های پاک و ناب، جاری شده باشد تا در سرزمین دلها سرازیر شود، و تخم محبت و خوبی و نیکوکاری را

در آن برویاند و ریشه‌های بدی و تباهی و دشمنی را از آن برکنند، انسانی که می‌خواهد درون خود را بسازد، و روح خود را کمال بخشد، باید در پی به دست آوردن حکمت و رهنمودی باشد که پرده از روی عیبهای او بردارد، و به آنچه وی را از فضیلت‌های انسانی دور ساخته آگاه گرداند، همچنین به موعظه ای گوش فرا دهد، که او را به پروردگار نزدیک سازد و ایمان را در دل او ریشه‌دار و استوار کند. اکنون ما زلال حکمت و کمال موعظت را در دخال سخنان امام رضا علیه السلام از نظر می‌گذرانیم، تا جان خویش را صفا دهیم و دل خود را روشنی بخشیم و این فرصت نورانی را مغتنم شماریم و در پرتو آن بر ایمان خویش بیفزاییم.

امام رضا (ع)

چشمه‌های خروشان تو را می‌شناسند
موج‌های پریشان تو را می‌شناسند
پرسش تشنگی را تو آبی، جوابی
ریگ‌های بیابان تو را می‌شناسند
نام تو رخصت رویش است و طراوت
زین سبب برگ و باران تو را می‌شناسند
از نشابور بر موجی از «لا» گذشتی
ای که امواج طوفان تو را می‌شناسند
اینک ای خوب، فصل غربی سر آمد
چون تمام غریبان تو را می‌شناسند
کاش من هم عبور تو را دیده بودم
کوچه‌های خراسان، تو را می‌شناسند.

شعری از مرحوم قیصر امین پور

منبع: www.tabnak.ir

روایت

خدمت حضرت رضا علیه السلام بودم که شب فرا رسید. به ایشان عرض کردم: اجازه می‌دهید بروم؟ حضرت علیه السلام فرمودند: شب شده، نزد ما بمان، آنگاه به خادم منزل دستور دادند که بستر خود ایشان را در اتاقی برای من بگستراند. وقتی به آن اتاق رفتم، به خود گفتم: من کجا و خانه ولی خدا؟ من کجا و خوابیدن در بستر امام علیه السلام؟ همین که این افکار به ذهنم آمد، امام رضا علیه السلام مرا صدا زدند و فرمودند: ای احمد! روزی امیرمومنان علیه السلام به عیادت صعصعه بن صوحان رفتند. پس از عیادت به صعصعه فرمودند: ای صعصعه! عیادت مرا مایه فخر خود بر قوم قرار مده، برای خداوند تواضع پیشه کن تا خداوند تو را بلندمرتبه سازد.

راوی: احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی

منبع: معجم رجال الحدیث، آیت الله خویی، ج ۳، ص ۲۰

درس‌هایی از امام رضا (ع)

روزی دو نفر مسافر از راه دور به محضر امام رضا علیه السلام وارد شدند و پیرامون حکم نماز و روزه از آن حضرت سؤال کردند؟

امام علیه السلام به یکی از آن دو نفر فرمود: نماز تو شکسته و روزهات باطل است و به دیگری فرمود: نماز تو تمام و روزهات صحیح می‌باشد.

وقتی علت آن را جویا شدند؟

حضرت فرمود: شخص اول چون به قصد زیارت و ملاقات با من آمده است، سفرش مباح می‌باشد؛ ولی دیگری چون به عنوان



اوضاع خلافت در زمان امام رضا (ع)

امام رضا (ع) در عصر امامت خویش با چند خلیفه عباسی معاصر بوده‌اند که تنها در زمان زمامداری مأمون شرایطی پدید آمد که امام را به موضعگیری وا داشت.

ده سال از امامت امام رضا (ع) با دوران خلافت هارون پدر مأمون مقارن بود. هارون در سال ۱۷۵ هجری قمری، فرزندش، امین را که ۵ سال داشت به جانشینی خودش معرفی کرد و ۷ سال بعد با معرفی مأمون به جانشینی امین در تثبیت حکومت عباسی کوشید. پس از این واقعه در سال ۱۹۳ هارون در طوس در گذشت و پس از این اندک زمانی امین و مأمون با یکدیگر بر سر خلافت نزاع کردند و اختلافشان به قدری بالا گرفت که امین در اوایل سال ۱۹۵ برادرش مأمون را از ولایتعهدی خلع کرد.

در نهایت دو برادر با لشکرکشی علیه یکدیگر در ری با هم درگیر شدند که در نتیجه آن لشکر امین شکست خورد و امین نیز در حادثه حمله چند مرد مسلح از پای در آمد و در نهایت مأمون حاکم شد.

مسئله ولایت عهدی

یکی از مهمترین اتفاقاتی که برای امام رضا علیه السلام رخ داد، مسأله ولایتعهدی ایشان بود که شامل مسائل زیر است که باید مورد بررسی قرار گیرد: (چرا مأمون امام رضا علیه السلام را دعوت کرد؟ واکنش امام رضا علیه السلام در برابر دعوت مأمون، وداع امام با قبر پیغمبر، خط سیر امام، سخنان امام در نیشابور، ورود امام رضا علیه السلام به مرو و طرح مسأله ولایتعهدی ایشان از طرف مأمون، اهداف مأمون از مسأله ولایتعهدی و شروط امام برای پذیرش ولایتعهدی).

اهداف مأمون از مسأله ولایت عهدی

از اصرار زیاد مأمون برای تحمیل مسأله ولایتعهدی بر امام رضا، علیه السلام، روشن می‌شود که اهداف مهمی را از این کار دنبال می‌کرده است. قرائن و منابعی تاریخی که می‌توان اشاره کرد چنین است:

الف. کاستن از تضاد علویان و عباسیان.

ب. فرو نشانیدن نهضت‌ها.

ج. نظارت بر امام و محدود ساختن ایشان.

د. مخدوش ساختن قداست معنوی امام.

ه. مشروع جلوه دادن خلافت.

ر. به دست آوردن پایگاه مستحکم مردمی.

امام هم ولایتعهدی را بی شرط و شروط نپذیرفت و برای خود شروطی گذاشت. از جمله این که امام فرمود: «من در کارها مداخله نمی‌کنم.» این شرط امام برای قبول ولایتعهدی بود. از این رو امام به صورت عملی خودش را از مشارکت در کارهای حکومت مبری دانست

www.valiasr-aj.com منبع:

سیاست و تدبیر امام رضا (ع)

هنگامی که امام را از مدینه به خراسان دعوت کردند آن حضرت فضای مدینه را از کراهت و نارضایی خود پر کرد، به طوری که همه کس در پیرامون امام یقین کردند که مأمون با نیت سوء حضرت را از وطن خود دور می‌کند، امام بد بینی خود به مأمون را با هر زبان ممکن به همه گوشها رساند، در وداع با حرم پیغمبر، در وداع با خانواده‌اش، در هنگام خروج از مدینه، در

زیارت و دیدار سلطان حرکت نموده، سفرش معصیت است در بین مسافرتی که امام رضا علیه السلام از شهر مدینه به سوی خراسان داشت، هرگاه، که سفره غذا پهن می‌کردند و غذا چیده و آماده خوردن می‌شد، حضرت دستور می‌داد تا پیش خدمتان سیاه پوست و ... بر سر سفره طعام حاضر شوند؛ و سپس حضرت کنار آن‌ها می‌نشست و غذای خود را میل می‌نمود.

اطرافیان به آن حضرت اعتراض کردند که چرا برای غلامان، سفره‌ای جدا نمی‌اندازی؟

امام علیه السلام فرمود: آرام باشید این چه حرفی است؟! خدای ما یکی است، پدر و مادر ما یکی است و هرکس مسئول اعمال و کردار خود می‌باشد.

چند روزی پس از آن که امام موسی کاظم علیه السلام رحلت نمود و امام رضا علیه السلام جای پدر، در منصب امامت قرار گرفت و مردم در مسائل مختلف به ایشان مراجعه می‌کردند.

به حضرت عرض کردم: یا ابن رسول الله! ممکن است از طرف هارون به شما آسیبی برسد و بهتر است محتاط باشید. امام علیه السلام اظهار داشت: همان طور که جدم، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: چنانچه ابو جهل، مویی از سر من جدا کند، من پیغمبر نیستم، من نیز می‌گویم: اگر هارون مویی از سر من جدا کند من امام و جانشین پدرم نخواهم بود.

هر موقع سفره غذا برای آن حضرت پهن می‌گردید، کنار آن سفره نیز یک سینی آورده می‌شد.

پس امام علیه السلام از هر نوع غذا، مقداری بر می‌داشت و داخل آن سینی قرار می‌داد و به یکی از غلامان خود می‌فرمود که تحویل فقرا و تهی دستان داده شود.

سپس به دنباله آن، این آیه شریفه قرآن: **فَلَا أَفْتَحَمَ الْعَقَبَةَ** سوره بلد: آیه ۱۱ را تلاوت می‌نمود؛ و می‌فرمود: خداوند جل و علی می‌داند که هر انسانی برای کسب مقامات عالیه بهشت، توان آزاد کردن غلام و بنده را ندارد

به همین جهت، اطعام دادن و سیر گرداندن افراد را وسیله‌ای برای ورود به بهشت قرار داده است.

سلیمان بن جعفر که یکی از اصحاب حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام است حکایت کند

یکی از نوادگان امام سجاد علیه السلام به نام علی بن عبیدالله مشتاق دیدار و زیارت امام رضا علیه السلام بود، به او گفتم: چه چیزی مانع از رفتن به محضر شریف آن حضرت می‌باشد؟

پاسخ داد: هیبت و جلالت آن بزرگوار مانع من گردیده است این موضوع سپری گشت، تا آن که روزی مختصر کسالتی بر وجود مبارک امام علیه السلام عارض شد و مردم به عیادت و ملاقات آن حضرت می‌آمدند.

پس به آن شخص گفتم: فرصت مناسبی پیش آمده است و تو نیز به همراه دیگر افراد به دیدار و ملاقات آن حضرت برو، که فرصت خوبی خواهد بود.

لذا علی بن عبید الله به عیادت و دیدار امام رضا علیه السلام رفت و با مشاهده آن حضرت بسیار مسرور و خوشحال گردید. مدتی از این دیدار گذشت و اتفاقاً علی بن عبیدالله روزی مریض شد؛ و چون خبر به امام علیه السلام رسید، حضرت جهت عیادت از او حرکت نمود؛ و من نیز همراه آن بزرگوار به راه افتادم، چون وارد منزل او شدیم، حضرت مختصری کنار بستر او نشست و از او دلجویی نمود.

و پس از گذشت لحظاتی که از منزل خارج شدیم، یکی از بستگان آن شخص گفت: همسر علی بن عبیدالله بعد از شما وارد اتاق شد و جایگاه جلوس حضرت رضا علیه السلام را می‌بوسید و بدن خود را به وسیله آن محل تبرک می‌کنم.

منبع: www.tebyan.net

طواف کعبه که برای وداع انجام می‌داد، با گفتار و رفتار با زبان دعا و زبان اشک، بر همه ثابت کرد که این سفر، سفر مرگ اوست، همه کسانی که باید طبق انتظار مأمون نسبت به او خوش‌بین و نسبت به امام به خاطر پذیرش پیشنهاد او بدبین می‌شدند در اولین لحظات این سفر دلشان از کینه مأمون که امام عزیزشان را این‌طور ظالمانه از آنان جدا می‌کرد و به قتلگاه می‌برد لبریز شد.

با اینهمه علی بن موسی الرضا، علیه السلام، فقط بدین شرط ولیعهدی را پذیرفت که در هیچ یک از شؤون حکومت دخالت نکند و به جنگ و صلح و عزل و نصب و تدبیر امور نپردازد و مأمون که فکر می‌کرد فعلاً در شروع کار این شرط قابل تحمل است و بعداً بتدریج می‌توان امام را به صحنه فعالیتهای خلافتی کشانید، این شرط را از آن حضرت قبول کرد، روشن است که با تحقق این شرط، نقشه مأمون نقش بر آب می‌شد و بیشتر هدفهای او برآورده نمی‌گشت. بدیهی است قتل امام هشتم پس از چنان موقعیت ممتاز به آسانی میسر نبود. قرائن نشان می‌دهد که مأمون پیش از اقدام قطعی خود برای به شهادت رساندن امام به کارهای دیگری دست زده است که شاید بتواند این آخرین علاج را آسانتر به کار برد، به گمان زیاد اینکه ناگهان در مرو شایع شد که علی بن موسی، علیه السلام، همه مردم را بردگان خود می‌دانند، جز با دست اندرکاری عمال مأمون ممکن نبود. بنابر روایات یک یا دو بار توطئه قتل امام را به وسیله نوکران و ایادی خود ریخت و یکبار هم حضرت را در سرخس به زندان افکند اما این شیوه‌ها هم نتیجه‌ای جز جلب اعتقاد همان دست‌اندرکاران به رتبه معنوی امام، به بار نیاورد، و مأمون در مانده‌تر و خشمگین‌تر شد، در آخر چاره‌ای جز آن نیافت که به دست خود و بدون هیچ واسطه‌ای امام را مسموم کند و همین کار را کرد و در ماه صفر دو بیست و سه هجری یعنی قریب دو سال پس از آوردن آن حضرت از مدینه به خراسان و یک سال و اندی پس از صدور فرمان ولیعهدی به نام آن حضرت، دست‌خود را به جنایت بزرگ و فراموش نشدنی قتل امام آلود.

راوی: مقام معظم رهبری

هدف مأمون از برگزاری بحث‌های علمی

در اینجا چند عقیده وجود دارد. از جمله:

الف) اینکه هدف محکومیت امام بود. دلیلش اینکه مأمون به «سلیمان مروزی» گفت: هدف من از برگزاری جلسه بحث چیزی جز این نیست که راه را بر او - امام رضا علیه السلام ببندی.

شاهد دیگر کلام امام که فرمود: هنگامی که با اهل تورات به توراتشان، با اهل انجیل به انجیلشان، با اهل زبور با زبورشان، با ستاره پرستان به شیوه عبرانیان، با موبدان به شیوه پارسیشان با رومیان به سبک خودشان استدلال کرده همه را به تصدیق سخن خود وادار کنم، مأمون خواهد فهمید که راه خطا را برگزیده و یقیناً پشیمان خواهد شد.

آنچه این احتمال را تقویت می‌کند آن است که درباره مأمون تا پیش از شهادت امام، پیوسته محل برگزاری این مناظره‌ها بود؛ ولی پس از آن دیگر اثری از این مجالس علمی و بحث‌های کلامی دیده نشد. وقتی این محافل در از میان بردن شخصیت امام ناکام ماند، مأمون در اندیشه حذف فیزیکی امام فرو رفت و سرانجام ایشان را مسموم ساخت.

ب) مأمون خود، آدم بی‌فضلی نبود و تمایل داشت به عنوان یک زمامدار عالم در جامعه اسلامی معرفی گردد و مورد توجه قرار گیرد. او شهرت به علم دوستی داشت و فیلسوف خلفای عباسی شناخته می‌شد.